

## خبریات

## جای خالی ولگرد قلندر



➦ **جواد طوسی**

● دیروز داشت‌م به مناسبت سالگرد تولد چارلی چاپلین، یه این فکر می‌کردم که چرا دیگر او تکرار نشد؟ باوجود مطرح شدن کم‌دین‌های دیگر چون باستر کیتون، ماکس لندر، هارولد لوید، هری لنگدون، برادران مارکس، داکلاس فربنکس و لورل و هاردی در دوران صامت و پس از آن، هیچ‌کدام از نظر نمایش موقعیت‌های انسانی در دل این ژانر و سبک و شیوه بازیگری و همه‌فن حریف‌بودن، قابل‌مقایسه با چاپلین نبودند. وجود نگاه آزادمنشانه و عدالت‌خواهانه در اغلب آثار او مانند «ولگرد»، «چویندگان طلا»، «روشنایی‌های شهر»، «عصر جدید» و «دیکتاتور بزرگ»، نشان می‌دهد که چقدر گذشته پربخ و مزرات یک هنرمند و پایگاه اجتماعی‌اش می‌تواند در مضامین انتخابی و نتیجه کارش تأثیرگذار باشد. آن خلق خوگو و شمالی قلندرانه چاپلین که نشانه‌های عینی‌اش را در «ولگرد» و «روشنایی‌های شهر» و «لایم لایت» می‌بینیم، در چه شخص دیگری در سینمای کمدی سراغ دارید؟ او در جهت تعمیم پیام انسانی‌اش و عصبان در برابر سلطه‌گران و متجاوزان، مرز میان کمدی و تراژدی را می‌شکند. در آن تک‌گوایی درخشان پایانی چاپلین در «دیکتاتور بزرگ» خطاب به محبوبش هانا، آمیزه‌ای از حس انسان دوستانه و امید به فردایی بهتر جاری است: «دوست دارم در حد امکان همگی به هم کمک کنیم، ما همه این آرزو را داریم... می‌خواهم در سلسله متقابل هم زندگی کنیم، نه در نکبت مقابل یکدیگر. در این جهان برای همه جای زندگی وجود دارد... اما این راه را کم کرده‌ایم. هانا بنگر! بیسن چگونه به روح انسان بال و پر بخشدند. انسان به سوی پیروزی در صعود است: نگاهت را بالا ببر، به سوی آسمان...»

اما در ورای این نگاه خوشبینانه تاریخی، تصویر واقعی چاپلین در ترکیبی از کمدی و تراژدی را در «لایم لایت» (روشنایی‌های صحنه) می‌بینم. آنجا که او در نقش یک مجری صحنه سالخورده در دو گودال ارکستر به میان طبل بزرگ می‌افتد و می‌میرد و ما را در روی صحنه زندگی و نمایش، به خنده می‌اندازد و می‌گریاند، در سیر قهرقاری این روزگار همین بس که از آن «تامپ» ساده با ذهنی کودگانه و خصایص والای انسانی در آثار چاپلین و شخصیت مرکزی‌اش، به سیاست‌مداری چون ترامپ با بی‌وانه‌بازی‌های عجیب‌وغریب و غیرقابل پیش‌بینی‌اش رسیده‌ایم.

سال‌ها بعد در سینمای فرانسه ژاک تاتی در کارنامه محدود فیلم‌سازی و بازیگری‌اش، به چارلی چاپلین و سینمای صامت ادای دین کرد و با محوریت‌دادن شخصیت «آقای اولوو» در مجموعه آثارش، نشانه‌هایی از باستر کیتون و هارولد لوید را نیز به این شمایل تابلوشده در دنیای مدرن اضافه کرد. اما رفته‌رفته گویی مصصومیت و دغدغه‌مندی از این نوع سینما رخت بریست و عافیت‌طلبی و لوذگی محض و آروتوسم یا بازی‌های روشنفرانه با absurd جایش را گرفت. از آن سینمای کمدی اصیل و سبک‌پذیر و مؤلف، به لویی دوپونس و نورمن ویزدم و چیچو فرانکو و ترینیتی، لانا بوژانکا... رسیدیم. در این میان، بیلی وایلدر با آن شوخ و ظرافت‌های کلامی و بصری‌اش و شماری از فیلم‌سازان خوشفکر و با ذوق ایتالیایی مانند ماریو مونچلی و دینیوزی استنا بودند و به این مجموعه باید برخی از فیلم‌های رنه کلر، هوراد هاکز، جری لوئیس، بلیک ادوارز و استنورا هم اضافه کرد. در سینیای خودمان، وضعیت بغرنج «زانر کمدی» بحث مستقلی را می‌طلبد. شاید وجود سینمای مستقل بخش خصوصی و تعدیل‌یافتن یک جامعه عبوس و دل‌مرده، جزء اقتضات سینمای کمدی برای رشد و شکوفایی‌اش است که ما به دلایل گوناگون فاقد آن هستیم. نگاه کنید به نمونه‌های شاخص و متفاوت آثار کمدی و طنز سینمای ایران مانند «سه دیوانه» جلال مقدم، «درشکه‌چی» نصرت کریمی، «مظفر» فرامرز ظلی، «اجاره‌نشین‌ها» داریوش مهرجویی و با کمالی اغماض «انوتیوس» پیدالله صمدی، «آدم‌پرچی» داوود میرباقری، «مرد عوزی» و «مومیایی ۳» محمدرضا هنرمند، «مارمولک» و «لیلی بان من است، کمال تبریزی، «نان و عشق و موتور ۲۰۰»، ابوالحسن داوودی و «خوابم یاد» و «ردکاپت» رضا عطریان که به سختی از تعداد انگشتان دست تجاوز می‌کنند.

پس از ۱۱ سال پیگیری، مراسم گشایش ساختمان تازه خانه تئاتر، شنبه، ۲۵ فروردین، با حضور سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، جمعی از هنرمندان و مدیران تئاتر و هنری برگزار شد.

ایرج راد، عضو هیئت‌مدیره خانه تئاتر و مدیرعامل سابق این خانه، در گفت‌وگو با «شرق» درباره ساختمان بازگشایی می‌کنیم که به‌زودی در هیئت‌مدیره دراین‌باره بحث و گفت‌وگو می‌شود و خوشبختانه این بازگشایی همراه شده است با مجمع عمومی خانه تئاتر و انتخابات هیئت‌مدیره بعدی که فکر می‌کنم به‌زودی شاهد اجرای این برنامه‌ها خواهیم بود. او افزود: ساخت این خانه ۱۱ سال به درازا کشیده که بالاخره روز شنبه افتتاح شد و ما هم به دنبال این موضوع بودیم که باید خانه تئاتر صاحب مکان مستقلی باشد و به جای وابسته نباشد و به همین‌دلیل همه سختی‌ها را پشت‌سر گذاشته‌ایم و پای آن ایستاده‌ایم. روز شنبه خبرنگاران از این مکان تازماتیس دیدار کردند و از نزدیک در جریان چگونگی ساخت‌وساز این ساختمان قرار گرفتند. به‌رحال این فضای تازه به‌لحاظ داشتن سالن اجرا و کافی‌شاپ و دیگر امکانات، بیشتر از مکان قبلی می‌تواند در اختیار اعضای خانه تئاتر قرار گیرد و سالن آنجا هم به‌زودی برای اجرای نمایش افتتاح خواهد شد.

**ساختمان تازه**

مدیرعامل سابق خانه تئاتر در مراسم افتتاحیه خانه تئاتر جدید، با بیان اینکه ساختمان جدید را که پیش‌تر خانه‌ای متروکه بود به قیمت ۲۰۰ میلیون تومان در سال ۸۴ خریداری کردیم، اظهار کرد: ۱۷ ماه طول کشید تا شهرداری مجوز تخریب و ساخت‌وساز را به ما

## هنر

# ایرج راد: ۱۱ سال پای ساخت خانه تئاتر جدید ایستادیم

رضا آشفته



بدهد. قرار شد شهرداری سالی صد میلیون تومان برای ساخت‌وساز ساختمان جدید به ما بدهد و ما این پول را به صورت سپرده در بانک گذاشتیم که از سود سپرده در این ساختمان قرار گرفتند. به‌رحال این فضای تازه به‌لحاظ داشتن سالن اجرا و کافی‌شاپ و دیگر امکانات، بیشتر از مکان قبلی می‌تواند در اختیار اعضای خانه تئاتر قرار گیرد و سالن آنجا هم به‌زودی برای اجرای نمایش افتتاح خواهد شد.

پول گرفتیم و یک میلیارد تومان هم سود سپرده ما در

این سال‌ها بود و درکل این ساختمان را با هزینه سه میلیارد و ۸۰۰ میلیون‌تومانی ساختیم. برای تجهیز نور و صوت سالن نمایش این ساختمان که امکانات آن در ایران بی نظیر است، از آقای صالحی امیری، وزیر وقت و ایرج راد و هرمز هدایت بازیگران این نمایش دوتفره

راشاد، درخواست حمایت کردیم و حمایت ایشان از

طریق مؤسسه توسعه هنرهای معاصر انجام شد.

در ادامه، سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد

اسلامی، به ایراد سخنانی پرداخت و گفت: اینکه تئاتر

امروز صاحب خانه شده، خبر خوبی است. تئاتر هنری

است که گفت‌وگو با آن آغاز می‌شود و انسان زمانی

که یاد گرفت با دیگری هنرمندانه سخن بگوید، از هنر

تئاتر استفاده کرد. تئاتر هنر نقد است و انسان وقتی

هنرمندانه نقد می‌کند، از زبان تئاتر بهره می‌برد.

**در گوش سالم‌رمزمنه کن**

«در گوش سالم‌رمزمنه کن» عنوان نمایشی است که قرار بود به کارگردانی شادروان جعفر والی اجرا شود و ایرج راد و هرمز هدایت بازیگران این نمایش دوتفره

بودند که برای چندمین‌بار توسط این‌ کارگردان قدیمی می‌خواست اجرا شود که به دلیل فوت این بزرگوار اجرای آن منتفی شد، اما از آنجا که ایرج راد نسبت به این اجرا احساس تعهد می‌کرد، سعی کرد در زمستان ۹۶ با بازی خودش و داریوش مؤدبیان آن را در سالن تازه‌تأسیس این خانه اجرا کنند که به دلیل فراهم‌نشدن امکاناتی مانند صندلی‌ها این اجرا نیز ممکن نشد. اما در‌ساره اجرای قطعی آن ایرج راد اظهار امیدواری می‌کند، اگر کافی‌شاپ و سالن انتظار این سالن به‌زودی راه‌اندازی شوند و حواشی آن نیز برطرف شود، ما هم سعی می‌کنیم این نمایش را در همان حدود میزانشن‌های مدرن مرحوم والی کار کنیم.

**حضور هنرمندان نامی**

در این مراسم هنرمندانی مانند علی نصیریان، هرمز هدایت، بهزاد فراهانی، زاله علو، شمس‌ی فضل‌اللهی، محمدرضا خاکی، هرمز سیرتی، سهراب سلیمی، منیژه محامدی، هادی مرزبان، محمد اسکندری، علی عابدی، قطب‌الدین صادقی، محسن حسینی، مریم کاظمی، مجید جوزانی، هادی ایازی، حسین یارسانی، شهرام کرمی، حسین مسافرآستانه، اسماعیل خلیج و محمد سیر حضور یافتند. بخشی از این مراسم به اجرای چند قطعه نمایشی که یکی از آنها رواقی از شاهنامه و دیگری عمل نقشی از اتللو بود اختصاص داشت. همچنین مدیرعامل خانه تئاتر اعلام کرد که اعضای خانه تئاتر و اهالی تئاتر می‌توانند ۲۶ و ۲۷ فروردین از ساختمان جدید خانه

تئاتر دیدن کنند. اصغر همت، مدیرعامل خانه تئاتر، از

بازگشایی این مجموعه برای بازدید عمومی اعضای خانه

تئاتر در روزهای ۲۶ و ۲۷ فروردین خبر داد و افزود: انتقال

خانه تئاتر به خانه جدید نیز، به‌زودی صورت خواهد

گرفت.

راشاد، درخواست حمایت کردیم و حمایت ایشان از

## حواشی نمایش تازه‌ترین فیلم جعفر پناهی در جشنواره فیلم کن

این امر به مذاق کسانی که می‌خواستند مرگ سینمای مستقل ایران را جشن بگیرند و یا سینمای مستقل را ریشه‌کن کنند، خوش نخواستند. آشدکار است که دنبال بهانه‌ای دیگر خواهند گشت. بسیاری از کشورها آرزو داشته‌اند و دارند که فیلمی در یکی از سه جشنواره‌ی الف ـ کن، ونیز و برلین ـ داشته باشند. امسال با حضور فیلم‌سازان ایرانی در فستیوال برلین استارت تداوم پویایی سینمای ایران زده شد اما با جایزه‌نگرفتن فیلم‌ها خواستند این حضور را کم‌رنگ یا بی‌اهمیت جلوه دهند.

آنچه مسلم است این است که بهانه‌ها همچنان ادامه خواهد داشت. ولی سینمای مستقل با راه‌های تازه‌تر و فیلم‌های خلاقانه‌تر در جهت استقلال خود کوشید. امیوارم در ونیز هم این روند ادامه یابد. ما هم همانند تمام کشورهای مهم صاحب سینما، از طریق همین فستیوال‌ها به بازار سینمای جهان دست یابیم. و اما یک آرزوی شخصی: بزرگ‌ترین آرزویم به‌عنوان یک فیلم‌ساز این است که فیلم‌هایم در ایران به نمایش درآید. حتی اگر در یک سینما، حتی اگر در دورافتاده‌ترین جا باشد.»

راشاد، درخواست حمایت کردیم و حمایت ایشان از

طریق مؤسسه توسعه هنرهای معاصر انجام شد.

در ادامه، سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد

اسلامی، به ایراد سخنانی پرداخت و گفت: اینکه تئاتر

امروز صاحب خانه شده، خبر خوبی است. تئاتر هنری

است که گفت‌وگو با آن آغاز می‌شود و انسان زمانی

که یاد گرفت با دیگری هنرمندانه سخن بگوید، از هنر

تئاتر استفاده کرد. تئاتر هنر نقد است و انسان وقتی

هنرمندانه نقد می‌کند، از زبان تئاتر بهره می‌برد.

## واکنش سونیا پوریامین به عزت‌الله ضرغامی

## بی‌شک کنش‌های انسان حاصل قضاوت‌های اوست

عازم حج شدم. تهیه‌کننده و مجری برتر شبکه جام‌جم شدم (زمانی که این شبکه در بین ایرانیان مقیم خارج از کشور اراج و منزلت فراوانی داشت). در پربیندترین برنامه‌های گفت‌وگومحور دمه‌های ۷۰ و ۸۰، یعنی پخش ۵ و تهران ۲۰ حضور جدی و اثرگذار داشتم. با دو رئیس‌جمهور این دیار گرانقدر قبل از آقای دکتر روحانی مصاحبه کردم و...

بنابراین، بنده با آن مجری که جنباعالی در سطر نوشته برای تئورِ حضرت‌زندی خود را در سازمان صداوسیما گذرانده‌ام. از سال ۱۳۵۹ و آغاز جنگ تحمیلی با برنامه زنده «هم‌گام با جنگ»، (فکر می‌کنم آن دوران را به خاطر دارید) اعتقادتم به انقلاب و ارزش‌های آن، مرا در این مسیر پرتلاطم اما سازنده حفظ کرد و امروز هر لحظه فعالیت و تلاش‌م در این رسانه مایه افتخارم است. تحصیلاتم را با کارم مرتبط کردم.

۲- بنده در زندگی به اصولی معتقدم. معتقدم به فردی که با جمهور مردم مسئولیت اداره کشور را به‌عهده می‌گیرد باید احترام گذاشت. در ضمن همواره به رسانه‌ای که خانه من بوده و شخصیت اجتماعی مرا ساخته است احترام گذاشته‌ام و در جلو و پشت دوربین بی‌همیشه یکسان ظاهر شده‌ام. آن روز به‌خصوص، یعنی ۱۶ بهمن ۹۲، پنج سال از بازنشتگی‌ام در صداوسیما نمی‌کردم حتی در آن مصاحبه دیده هم نمی‌شدم!!!

بعدا که این نکته را به من گفتند بیشتر تعجب کردم چگونه رئیسی داشتم که سی‌واندی‌سال خدمت صادقانه و کار حرفه‌ای یک کارمند ارشد خود را با چنین شیوه‌هایی قردانی می‌کند. بی‌شک کنش‌های انسان حاصل قضاوت‌های اوست.

۳- در گفت‌وگوی تصویری با تاریخ‌انلاین (که نمی‌دانم چه تاریخی انجام شده) در چمتالی تحقیرآمیز بنه را به‌عنوان مجری توصیف کردید که دیگ و قابلمه تبلیغ می‌کند. و در گفت‌وگوی اخیرتان با روزنامه شرق در بازخوانی آن ماجرا (که نمی‌دانم چرا نمونه‌های مختلفی از آن را بهیاد می‌آورید) مجدداً بنده را فاقد دانش و سواد دانستید و با برنامه آشپزی در شبکه نسیم مرتبط کردید (من هرگز در شبکه نسیم برنامه نداشته‌ام) و قضاوت کردید که در شأن و جایگاه نشستن جلوی رئیس‌جمهور نبودم. اجازه دهید باز هم به چند نکته اشاره کنم:

ظاهرا فراموش کرده‌اید که همین دیگ و قابلمه‌ها و

## نمای نزدیک

درباره فیلم «پاپ» به کارگردانی **احسان عبدی‌پور**

### انزجار از عشق‌های کاذب



➦ **عماد افروغ**

● امروز سه‌شنبه ۱۳/۱۲/۹۷ است... ساعت هفت شب نیز به منظور تماشای فیلم هنری-تجربی «پاپ» و با دعوت شخصی عازم موزه سینما شدم. ساعت هشت شب این فیلم به نمایش درآمد؛ فیلمی با سه اپیزود بیوسته و با مضمون مهاجرت و توهم‌های مرتبط و انزجار از جایگاه خود به‌عنوان یک سیاه‌پوست و البته آرزوهای خیالی و ناموجه گره‌خورده با آن. این‌که سیاه‌پوست‌بودن در ایران همراه با نوعی احساس طردشدگی باشد را نمی‌پذیرم. واقعیات و نگاه‌های مردم این را تأیید نمی‌کند، اما متأسفانه فضاهای خیالی نسبت به آن طرف‌آب واقعیتی است انکار‌ناپذیر که باید برای آن چاره‌اندیشی کرد.

این فیلم پایان بسیار امیدبخش و واقع‌گرایانه‌ای در قالب فراموش‌کردن مهاجرت، انزجار از عشق‌های کاذب و صرف وقت و انرژی و اهتمام نسبت به عشق‌های واقعی دارد. فیلم، پایانی متعصبانه و غیرتمدانه نسبت به جایگاه فرهنگ و حتی رنگ پوست خود دارد. این فیلم به‌گونه‌ای ساخته شده است که از شرعش نمی‌توان پایشان را تشخیص داد و این‌ی یکی از نقاط قوت آن است. ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های این فیلم تا حدودی تسلی‌بخش و بیننده در مقایسه با فیلم‌های سطحی و لوده است؛ فیلمی که در عین توجه به این ظرافت‌ها و لایه‌لایه‌بودن‌ها، مضمون و خاستگاه واقعی اجتماعی خود را فراموش نکرده است. در این فیلم نسبت دیاکنتیک بین سینما و جامعه با رویکردی ترمیمی نسبت به آسیب‌های اجتماعی کاملاً مشهود است. تماشاگر این فیلم با اتصال و علقه نسبت به داشته‌های فرهنگی و تاریخی خود سینما را ترک می‌کند.

### زیر آسمان فیروزه ای

## رئیس جدید اداره روابط عمومی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران منصوب شد

● مظفر پاسدارشیرازی در حکمی، رئیس جدید اداره روابطعمومی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران را منصوب کرد.

به گزارش روابطعمومی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران صبح امروز در مراسمی با حضور مظفر پاسدارشیرازی، مدیرکل حوزه ریاست، روابطعمومی و امور بین‌الملل سازمان، هاینه گراییلی، مشاور اجرایی سازمان و احترام کیانمهر، معاون اداره کل حوزه ریاست، روابطعمومی و امور بین‌الملل و جمعی از همکاران این اداره از زحمات رئیس پیشین اداره روابطعمومی تقدیر و رئیس جدید این اداره منصوب شد.

در این مراسم مدیرکل حوزه ریاست، روابطعمومی و امور بین‌الملل سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ضمن تشکر از اقدامات و زحمات محسن حبیبی قمصری، رئیس پیشین اداره روابطعمومی، در حکمی، حسین گنجی را به ریاست این اداره منصوب کرد.

پاسدارشیرازی در این جلسه در سخنانی گفت: امیدوارم با حضور آقای گنجی و با توجه به سوابق کاری و رسانه‌ای ایشان، کاستی‌های اداره روابطعمومی تقویت شود و با یاری سایر همکاران بتوانیم بهترین بیرونی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران را بیش از گذشته بیاوریم. هاینه گراییلی، مشاور اجرایی سازمان، نیز با تبریک عبد میعت و سالان سو از زحمات رئیس پیشین اداره روابطعمومی سازمان تشکر و اظهار کرد: شروع کار آقای گنجی را به فال نیک می‌گیریم و امیدوارم از تحول و امور مربوطه در مجموعه سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران باشند.

در حکم مدیرکل حوزه ریاست، روابطعمومی و امور بین‌الملل سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران برای رئیس جدید اداره روابطعمومی آمده است:

**جناب آقای حسین گنجی**

نظر به تجارب، تعهد و تخصص جنباعالی، مسئولیت سرپرستی «اداره روابطعمومی» به شما واگذار می‌شود. مطمئناً با همت والای خویش که در راه اعتلای سازمان به کار خواهید گرفت شاهد پویایی و تحول در امور مربوطه خواهیم بود. امید است با توکل به خداوند متعال و بهره‌گیری از همکاران متعهد و متخصص این حوزه در انجام امور محوله موفق و پیروز باشید.

توفیق جنباعالی را در انجام وظایف سازمانی از خداوند منان مسألت دارم.

<sup>[1]</sup> مذاکرات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران با اعضای هیئت مدیره شرکت سهامی آب منطقه ای البرز در ۱۳ شهریور ۹۷، انجام شد

<sup>[2]</sup> مذاکرات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران با اعضای هیئت مدیره شرکت سهامی آب منطقه ای البرز در ۱۳ شهریور ۹۷، انجام شد